

ادیان شرقی در کافرکیشی رومی

• میر نادر محمدزاده

غربی در جهان باستان» نام نهاد. او در سه اثر عمده خود، آیین رمزی مهر، ادیان شرقی در کافرکیشی رومی و ستاره‌بینی و دین در میان یونانیان و رومی‌ها، بر این تأثیر مهر تأیید زده است.

کومون به جای هرگونه پیش‌داوری و تفاخر به اندیشمندان باستان در غرب، منابع و آثار بر جای مانده را نصب‌العین قرار داد و با تدقیق در آیین‌های رقیب مسیحیت و مهری و با کندوکاو در آیین‌های رازورزانه شرق، عناصر بر جای مانده از این آیین‌ها را در آرا و عقاید رایج در روم باستان ردیابی کرده و به طرح کلی دست یافته که در زمان خود بی‌سابقه است. این طرح، عناصر وام گرفته شده از ادیان شرقی را به نمایش می‌گذارد. غایت این طرح کلی آن است که جهان غرب به سرکردگی امپراتوری روم، در نهایت به یک آیین شرقی تسلیم می‌شود؛ همچنان که پیش از ظهور مسیحیت نیز در مقابل ادیان شرقی دیگر سر تسلیم فرود آورده بود.

فرانس کومون، در سوم ژانویه ۱۸۶۸ در گهنت آفرانسه چشم به جهان گشود. اثر بزرگ و ماندگار او، آثار و پیکره‌های مربوط به آیین مهر، در دو جلد در سال ۱۸۹۹ به چاپ رسید. به دنبال این اثر، کتاب جداگانه دیگری به عنوان آیین مهر به سال ۱۹۰۲ انتشار یافت. نیمه دوم از جلد اول این اثر به نتیجه‌گیری‌هایی اختصاص دارد که وی در آنها به تفسیر شواهد و نشانه‌های انبوه موجود در کتاب همت گماشته است.

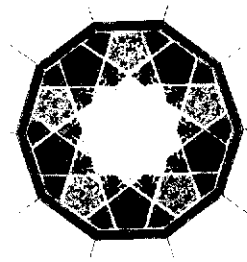
اثر دیگر کومون که بسیار مورد توجه و علاقه پژوهندگان عقاید و آرای کهن قرار گرفت، ادیان شرقی در کافرکیشی رومی بود که در ۱۹۰۶ به زیور طبع آراسته شد. فصول مختلف این کتاب، در اصل برای سخنرانی تنظیم شده است. نویسنده در نوامبر ۱۹۰۵ با تقاضای «کالج دو فرانس» سلسله سخنرانی‌هایی را که از سوی «بنیاد میسونی» ترتیب یافته بود، آغاز کرد. چند ماه بعد «بنیاد هایبرت»^۱ او را به آکسفورد دعوت کرد تا برخی از موضوعاتی را که در پاریس مطرح ساخته بود، تبیین بیشتری بخشد. در



- ادیان شرقی در کافرکیشی رومی
- فرانس کومون^۱
- تیمور قادری^۲
- امیرکبیر، تهران، ۱۳۸۳

در زمانی که اغلب شرق‌شناسان غربی سعی در تفاخر فرهنگی غرب بر شرقیان و تأثیر و برتری یونان باستان بر ملل دیگر داشتند، فرانس کومون بدون هرگونه پیش‌داوری به تحقیق و پژوهش در زمینه ادیان شرقی پرداخته است.

به گفته مترجم کتاب در مقدمه، حوزه تحقیق کومون منحصر به فرد است. حوزه‌ای که می‌توان آن را «تأثیر آرا و عقاید شرقی بر تفکر



این کتاب مطالب هر دو مجموعه گردآوری شده است.

کتاب پس از مقدمه مترجم و مقدمه‌ای از گرانت شومان^۱ و پیش‌گفتار نویسنده، از هشت فصل (در حقیقت از هشت سخنرانی) سامان یافته است.

گرانت شومان در مقدمه خود به ارزش‌های علمی و دانش دقیق کومون می‌پردازد. به نظری اثر کومون، ما را در خیال به دورانی می‌برد که مسیحیت - حداقل از چشم کافرکیشان رومی - همچنان یکی از ادیان بیگانه شرقی است که می‌کوشد در جهان رومی، خاصه در شهر روم، به رسمیت شناخته شود. کار بزرگ کومون این بود که در احیای شواهد و نشانه‌های مربوط به این آیین‌ها مدد رساند. وی نشان می‌دهد که آیین‌های کافرکیشان چگونه پابرجا ماندند؛ تا آنجا که حتی با مسیحیت نیز به مقابله برخاستند. کومون می‌گوید «این ادیان هم عشق و احساس می‌آفریدند و بالاتر از همه عقل و وجدان را نیز راضی می‌ساختند»

مسیحیت بعد از یک نزاع و کشمکش طولانی به پیروزی رسید، طولانی از آن جهت که دشمنانش از زرادخانه خداوند سلاح می‌گرفتند، هر دو طرف برای این مبارزه کمر بسته حقیقت و راستی بودند، هر دو طرف شمشیر روح در نیام داشتند، اما شمشیر فولادین مسیحیان برنده تر بود و دل در گرو تعالیم صلح و دوستی داشتند.

مسیحیت در آنجا متوقف نماند، سلاح را از رقبایش گرفت و از آنها سود جست. در عین اینکه عناصر بهتر کافرکیشی نیز به آیین جدید راه یافت.

مؤلف کتاب نیز در پیش‌گفتار اشاره می‌کند که آیین جدید (مسیحیت) رمزگشایی خود را در قالب‌های مقدس ادیان کهن تر ریخت؛ چرا که در این صورت بود که جهان پیام او را دریافت می‌کرد. این نکته تقریباً مورد پذیرش مورخان متأخر است. در اینجا مسیحیت زمانی رو به گسترش نهاد که حالت اولیه خود را پشت سر گذاشته و

تثبیت شده بود. از این گذشته، آیین‌های رمزی شرقی در روم همچون مسیحیت، تامت‌ها به عنوان دین اقلیتی بیگانه باقی ماندند؛ آیا میان این فرقه‌های رقیب تبادل هم صورت گرفت؟ سکوت نگارندگان مذهبی، دلیل کافی برای انکار این مسئله به حساب نمی‌آید. از اینکه به دین خود به رقبایمان اعتراف کنیم، اکراه داریم؛ زیرا تصور می‌کنیم که به این ترتیب به ارزش‌های نهفته در آلمان آنان، اذعان کرده‌ایم. اما در اهمیت این مبادلات نباید مبالغه کرد. بی‌تردید برخی از مراسم و ایام تعطیل در مسیحیت، مبتنی بر الگوهای کافرکیشی است. در قرن چهارم میلادی، کریسمس در بیست و پنجمین روز دسامبر قرار گرفت، چرا که در چنین روزی تولد خورشید جشن گرفته می‌شد؛ خورشیدی که هر سال و بعد از انقلابین، برای یک حیات جدید پا به عرصه می‌گذارد. برخی از بقایای آیین‌های ایزیس و سیبیل^۲ به علاوه دیگر اعمال و رسوم چند خدایی، خود را در ستایش قدیسان محلی جاودانه ساختند. از سوی دیگر، به محض اینکه مسیحیت به صورت یک قدرت اخلاقی در جهان درآمد، خود را حتی به دشمنانش نیز تحمیل کرد.

مؤلف با وجود بررسی شباهت‌ها و تأثیر متقابل آیین‌های مختلف بر یکدیگر در جمله عالمانه‌ای اذعان می‌کند که در دین‌شناسی تطبیقی «یک واژه، دلیل و گواه به حساب نمی‌آید، باید مراقب باشیم تا از یک شباهت (و همانندی) تأثیر و تأثیری را نتیجه نگیریم. عقاید پیش‌پنداشته همیشه در راه شناخت گذشته، یک مانع به حساب می‌آید».

در فصل اول، روم و شرق، به طور کلی به مناسبات روم با شرق و تأثیرات شرق بر روم سخن می‌رود. تهاجم ادیان شرقی - که به نابودی آیین‌های کهن و آرمان‌های ملی رومی‌ها منجر شد - ساختار جامعه و حکومت در دوران امپراتوری را نیز دگرگون ساخت.

فصل دوم با این پرسش آغاز می‌شود که «چرا ادیان شرقی

دیدگاه ایشان) ایزدی بود که دین و ایمان را ضمانت بخشید و از شکسته نشدن پیمان‌ها حکایت می‌کرد.

این دین علاوه بر احترام به اولیای امور، برادری (و اخوت) را نیز تبلیغ می‌کرد. تمامی نوکیشان خود را از فرزندان یک پدر می‌پنداشتند و به یکدیگر مهری برادرانه می‌ورزیدند.

نویسنده کتاب در این فصل در اهمیت دین مهر می‌افزاید: «در میان ادیان و آیین‌های شرقی، هیچ آیینی به اندازه مهریسم سخت‌گیر نبود، هیچ مذهبی به اندازه آیین مهر به اعتلای اخلاقی دست نیافت و بالاخره هیچ دینی به اندازه آیین مهر نتوانست در دل و جان مردمان نفوذ کند. از جنبه‌های دیگر، این آیین طرح خاص دینی‌اش را به جهان کافر کیشی بخشید. تأثیر و نفوذ تعالیمش تا قرن‌ها بعد از نابودیش، همچنان پا بر جا ماند. ثنویت ایرانی اصول خاصی را به اروپا برد، که هیچ‌گاه از تأثیرگذاری باز نایستادند. تاریخ اروپا قدرت مقاومت و تأثیر فرهنگ و دین ایرانی را به خوبی به نمایش می‌گذارد.» (ص ۱۶۲)

در فصل‌های هفتم و هشتم، سحر و طالع‌بینی و اهمیت آنها و تحول کافر کیشی رومی بحث و بررسی شده است. در پایان بررسی اجمالی کتاب، ذکر چند نکته خالی از فایده نیست:

چنانکه پیش‌تر گفته آمد، فصول مختلف کتاب در اصل برای سخنرانی تنظیم شده است و از این رو به همه جوانب این آیین‌ها و تأثیرات متقابل آنها بر یکدیگر پرداخته نشده است. بنابراین خواننده کتاب بدون آشنایی مقدماتی با مفاهیم و آموزه‌های این آیین‌ها ممکن است در فهم مطالب کتاب با مشکل مواجه شود. چنانچه نویسنده محترم نیز آگاهانه در آغاز کتاب به این مطلب اذعان دارد و انتقاد احتمالی را از پیش پاسخ می‌دهد: «نگارنده به منظور کردن جایی برای حقایق کمتر شناخته شده، از برخی حقایق شناخته شده چشم پوشیده است ما تنها تحولات درونی کافر کیشی را در جهان لاتین مورد کنگد و کاو قرار داده و رابطه‌اش را با مسیحیت نیز بر حسب اتفاق بررسی کردیم.» (ص ۱۸).

مترجم محترم این اثر، تبحر و توانایی خود را در ترجمه این کتاب و آثار ارزشمند دیگری که پیشتر ترجمه کرده نشان داده است. در باب ترجمه این اثر ارزشمند بی‌آنکه قصد نقد ترجمه در میان باشد، آن را با ترجمه دیگری از همین اثر کومون مقایسه می‌کنیم.

گسترش یافتند؟». مؤلف در این فصل پس از تحلیل و بررسی، پاسخ جامع این پرسش را در پایان فصل چنین می‌آورد: ادیان شرقی هم‌زمان احساس، عقل و وجدان را تحت تأثیر قرار داده و انسان را به طور کامل به تسخیر خود درمی‌آوردند. به نظر می‌رسد در مقایسه با آیین‌های باستان، حقیقتی برتر، اخلاقی متعالی تر و شعائری مهم‌تر را ارائه کرده باشند. مراسم پرابهت اعیاد و جشن‌ها، زرق و برق و شهوترانی، حزن توأم با سرخوشی ناشی از مراسم عبادی، مردم عادی و پست را جلب می‌کرد؛ و حال آنکه رمزگشایی مترقیانه تعالیم کهن، که خود میراث شرق کهن و دوره حساب می‌آمد فرهیختگان را مجذوب می‌ساخت. این مذاهب احساسات را به غلیان می‌آوردند و با تسلی خاطر خود زنان را به شدت جذب می‌کردند، یعنی همان‌هایی که راسخ‌ترین و سخی‌ترین پیروان و در عین حال پرشورترین مبلغان آیین‌های «ایزیس و سیبل» به حساب می‌آمدند. مردان منحصرأ «میترا» را پرستش می‌کردند، یعنی همان ایزدی که ایشان را به یک نظام محکم اخلاقی مقید می‌ساخت.

پرستش خدایان رومی یک وظیفه شهروندی بود. و پرستش خدایان بیگانه بیان یک باور فردی. منظور از این بیان فردی، نه صرفاً ستایش سنتی و کارکردی شهروند، بلکه افکار، احساسات و آرزوهای درونی فرد است.

در فصل‌های سوم تا پنجم به ترتیب تأثیر آیین‌های آسیای صغیر، مصر و سوریه بر روم و در نهایت بر مسیحیت بررسی می‌شود. فصل ششم به ایران اختصاص دارد. حقیقت غالب تاریخی در غرب آسیا، آن‌هم در دوران باستان، تقابل میان تمدن‌های ایرانی و یونانی - رومی بوده است. این تقابل بخشی از یک مبارزه بزرگ و بی‌وقفه میان شرق و غرب (و در اصل میان روم و یونان از یک سو و ایران از سوی دیگر) بود.

در این فصل به ارتباط تاریخی و فرهنگی ایران به ویژه از زمان هخامنشیان و در نهایت به ترویج و اشاعه دین مهر که همیشه با سربلندی از خاستگاه ایرانی‌اش دم می‌زد، اشاره می‌شود. مهر کهن‌ترین جوهره روشنایی (ونور) در دین زردشتی (البته زردشتی نو) به صورت خدای راستی و عدالت درآمد و همین خصیصه را در غرب حفظ کرد.

ایرانیان اهریمن را تجسمی از دروغ و ریا می‌انگاشتند. مهر (از



۱۵) و در دومی روحانیان قدیمی (ص ۲۰) آمده است. با این همه در مقایسه کلی این دو ترجمه، ترجمه جدید دارای غنای ادبی و شیوایی بیشتری است.

پی نوشت‌ها:

1. Franz Cumont

۲. مترجم علاوه بر ترجمه کتاب حاضر کتاب‌های دیگری نیز ترجمه کرده که مشخصات کتاب‌شناختی آنها به قرار زیر است:

۱- شیطان هرگز نمی‌خواهد، پیرل باک، نشر گلشایی، چاپ ۲،

۱۳۶۲

۲- زروان یا معمای زرتشتی‌گری، رابرت چارلز زرنر، فکرروز، ۱۳۷۴

۳- طلوع و غروب زردشتی‌گری، رابرت چارلز زرنر، فکرروز، ۱۳۷۵

۴- یونانیان و پارسیان، هرمان نیکسون، فکرروز، ۱۳۷۶

۵- واکنش غرب در برابر زردشت، ژاک دوشن گیمن، امیرکبیر،

۱۳۸۳

3. Ghent

۴. این کتاب را هاشم رضی تحت عنوان آیین پرمزوراز میتراپی ترجمه کرده و چاپ دوم آن در سال ۱۳۸۳ در انتشارات بهجت به طبع رسیده است.

5. Hibbert Trust

6. Grant Showerman

7. Isis and Cybele

۸. Diaspora به معنی پراکندگی قوم یهود

۹. Septuagint: از «عهد قدیم» دو نسخه مهم قدیمی در دسترس است. یکی به زبان اصلی، یعنی عبری، و دیگری به زبان یونانی. نسخه یونانی عهد قدیم، به دلیل آنکه هفتاد مترجم از دانشمندان یهودی در قرن سوم قبل از میلاد از عبری به یونانی بازگرداندند به ترجمه «هفتادی یا سبعینی» معروف شد. در ترجمه یونانی تعدادی کتب وجود داشت که در اصل عبری آن نبود [ضمناً جهت اطلاع بیشتر رجوع شود به «بررسی کتاب اپوکریفای عهد قدیم» در شماره قبلی کتاب ماه دین از این نگارنده].

این اثر فرانس کومون را ملیحه معلم و پروانه عروج نیا برای نخستین بار در ۱۳۷۰ ش ترجمه کردند که سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت) به چاپ رساند. این ترجمه، رساله مترجمان محترم با راهنمایی استاد فقید مهرداد بهار بوده است. از این رو ترجمه تیمور قادری، ترجمه مجدد اثر کومون است.

اینک نکاتی از مقایسه این دو ترجمه

فرانس کومون، کتابنامه کوچک و یادداشت‌هایی را برای محققان علاقه‌مند به ادعاهای مطرح شده، در نظر گرفته است. اما مترجم محترم، تیمور قادری با وجود زحمات فراوان، این یادداشت‌های کتاب را به زبان اصلی در ترجمه خود آورده است که حجم زیادی از کتاب را (۲۰۷ - ۲۸۲) نیز به خود اختصاص داده است. ترجمه این یادداشت‌ها برای خواننده فارسی زبان مفید بود. مترجمان قبلی اثر، این یادداشت‌ها را نیز به فارسی برگردانده‌اند. ترجمه قبلی علاوه بر ذکر ضبط لاتین بسیاری از اعلام و اصطلاحات کتاب، بسیاری از آنها را در پاورقی توضیح داده است که خواننده را با اصل این اصطلاحات آشنا می‌سازد. به علاوه عبارات و اصطلاحات کتاب برای بیشتر خوانندگان ناآشناست و توضیح آنها ضروری می‌نماید. در ترجمه تیمور قادری از این اثر، این امر نادیده گرفته شده است. برای نمونه در صفحه ۴۸، مترجم محترم اصطلاح «دیاسپورا»^۸ را با اینکه معادل فارسی درستی ندارد، و نیز کلمه «سپتواگینت»^۹ را (ص ۸۲) بدون هرگونه توضیحی آورده است. معادل واژه اخیر در ترجمه‌های فارسی «ترجمه سبعینی یا هفتادی» آمده است.

اختلاف سلیقه در این دو ترجمه مشهود است. این امر از ترجمه عنوان کتاب نیز دریافت می‌شود. عنوان اصلی کتاب که مترجمان قبلی آن را به ادیان شرقی در امپراتوری روم ترجمه کردند و قادری ادیان شرقی در کافرکیشی رومی ترجمه کرده است که ترجمه دوم درست‌تر به نظر می‌رسد. عبارت «The Strategy of Animism» در ترجمه اول «راهبرد جانمند انگاری» (ص ۱۶۵) و در ترجمه دوم «استراتژی جان بخشی» (ص ۱۸۳) ترجمه شده که اولی بهتر است. عبارت «Church fathers» در ترجمه نخست آباء کلیسا (ص